

بررسی رابطه بین افت تحصیلی و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی: دانش آموزان متوسطه مازندران)

مهرداد صالحی^۱، *دکتر منوچهر پهلوان^۲، دکتر علی اصغر شجاعی^۳

چکیده: این پژوهش، با هدف بررسی رابطه بین افت تحصیلی و عوامل اجتماعی موثر بر آن انجام گرفته است و در این پژوهش از رهیافت های نظری همچون: ساختارگرایی، کارکردگرایی، انتقادی و تعامل گرایی استفاده شده است. و هم چنین با استفاده از ادبیات و پیشینه پژوهش، چهار فرضیه استخراج گردید که به مدد شاخص های آماری به محک آزمایش گذاشته شده اند. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-پیمایشی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموزان متوسطه دوم استان مازندران در سال تحصیلی (۹۷-۱۳۹۶) می باشند. که حجم نمونه آن بر اساس فرمول کوکران (۱۷۰) نفر دانش آموز محاسبه شد. و برای دستیابی به نمونه ها از روش تصادفی ساده استفاده گردید. داده ها نیز از طریق پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و با استفاده از جداول مربوطه، و با بکارگیری آمار استنباطی در نرم افزار آمار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های این پژوهش موید آن است که بین متغیرهای: پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کنترل عملکرد آموزشی و امکانات آموزشی با افت تحصیلی در بین جامعه آماری، با اطمینان بسیار بالا رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر، در مجموع و به ترتیب متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی با ضریب (۲۹٪)، سرمایه اجتماعی با ضریب (۲۸٪)، کنترل عملکرد آموزشی با ضریب (۲۷٪) و امکانات آموزشی با ضریب (۱۱٪) بیشترین ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده را بر متغیر وابسته (افت تحصیلی) داشته اند.

کلید واژگان: عوامل اجتماعی-افت تحصیلی- دوره متوسطه- مازندران

^۱ دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم تربیتی، بابل، ایران. ایمیل: m.salehi۷۲۹@gmail.com

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی، علوم اجتماعی، بابل، ایران. (* نویسنده مسئول) ایمیل: Mpahlavan۱۹۶۷@gmail.com

^۳ دانشگاه آزاد اسلامی، علوم تربیتی، بابل، ایران. ایمیل: Shojaee۲۸@yahoo.com

A Study on the Relationship between Academic failure and Its Effective Social Factors

(A case study: among Students in Mazandaran High-schools)

Mehrdad salehi^ξ, Manouchehr pahlavan^ο, Ali Asqar Shojaei^ϑ

Abstract : The present paper studies the relationship between academic failure and Its effective social factors among Mazandaran high-school-students.

Some approaches like , structuralism ,functionalism , interactionism and conflict theories were used here .

through out of research literature four hypotheses were analyzed in the research. the methods applied

here , were descriptive – survey method.

According to Cochran Alpha (170) students were chosen as sample population in Mazandaran in 2018. The data were gathered through researcher – made questionnaire. Some statistical formulas and SPSS soft ware were used here.

The findings show that there is significant relationship between socio-economic status , social capital , control on education function and educational possibilities with academic failure.

Regression and path analyzes show that socio-economic status (29) , social capital (28) , control on educational function(27) and educational possibilities (11) have the most standard regression effect on the dependent variable accordingly.

Keywords: Social factors , Academic failure, High-schools , Mazandaran

ξ.ph.d Student of Educational Management , Babol Branch , Islamic Azad University , Babol , Iran.

ο.Department of Social Sciences , Babol Branch , Islamic Azad University , Babol , Iran.

ϑ. Department of Social Sciences , Babol Branch , Islamic Azad University , Babol , Iran.

مقدمه

از آنجائی که تعلیم و تربیت از دیدگاه اقتصادی نوعی سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. شناخت هر چه بیشتر و بهتر عوامل ایجادى و یا افزایش دهنده افت تحصیلى از ضروریات هر نظام آموزشی است که باعث جلوگیری از به هدر رفتن منابع مادی و معنوی و نجات انسان‌هاى می‌گردد. در حال حاضر، آموزش و پرورش عهده دار چندین میلیون دانش‌آموز می‌باشد. و صدها هزار مدیر و معلم و کارمند در سازمان‌های مربوطه کار می‌کنند. که پایه‌های توسعه انسانی آینده کشور بر آنها استوار است. به طوری که، ضروری‌ترین طرح آموزش و پرورش، اگر با بی‌تفاوتی به مسائل آموزش و پرورش روبه‌رو شود با چالش بزرگ مواجه خواهد شد. لذا باید بر این اندیشه بود تا چنین سرمایه‌گذاری بزرگی به شکل کاربردی برنامه‌ریزی گردد تا میزان هدر رفت آن به حداقل برسد. بدین جهت هرگونه ضایعه‌ای که موجب تلف شدن سرمایه شود و نتیجه مطلوب از آن به دست نیاید «افت» نامیده می‌شود. لذا مساله «افت تحصیلى» به حدی بغرنج شده است که هر ساله نوشته‌های زیادی در این مورد به چاپ می‌رسد و سمینارهای مختلفی که غالباً جامعه‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی را به بررسی و ارائه راه‌حل‌های مناسب دعوت می‌نماید شکل می‌گیرد.

با توجه به تفاوت‌های فردی، نوع مسائل و مشکلات چند بعدی خانواده و تفاوت‌های اجتماعى - اقتصادى و به خصوص مهارت‌های فرهنگى گوناگون خانواده‌ها، ارائه آموزش و پرورش یکسان برای همه دانش‌آموزان می‌تواند از عوامل ایجاد کننده افت تحصیلى محسوب شود. به خصوص در کشورهای جهان سوم که اینگونه تفاوت‌ها غالباً بارزتر و بیشتر هستند. و در واقع نظام آموزش و پرورش نمی‌تواند برای همه طبقات اجتماعى کارآیی لازم را داشته باشد. از این روی بسیاری از دانش‌آموزان، به خصوص در مناطق محروم به رغم هوش و استعداد از ادامه تحصیل باز می‌مانند. بر حسب چنین رویکردی در این پژوهش سعی شده است تا عوامل اجتماعى افت تحصیلى تا حد امکان شناخته شود. و با ارائه مدلی میزان تاثیر عوامل اجتماعى بر افت تحصیلى مشخص گردد. تا با ارائه راه‌حل‌هایی، بر کاهش افت تحصیلى کمک نموده و جامعه را به سوی پیشرفت آموزشی هدایت نماید.

طرح مسئله

نظریه پردازان حوزه علوم انسانی مسئله اجتماعى را، بسیار متنوع و متکثر می‌دانند. برخی می‌گویند دایره این اصطلاح می‌تواند وضع یا شرایط کلی اجتماع باشد که سبب بروز نابرابری‌ها و یا بی‌عدالتی‌های نهادینه شده شود. عده‌ای دیگر نیز معتقدند مساله اجتماعى در شرایط و اوضاع خاصی به کار می‌رود که نیاز به بهسازی احساس می‌شود. در این صورت مسائل اجتماعى ناشی از عدم تعادل‌های جزئی به بروز مشکلات یا بن‌بست‌هایی می‌انجامد که خروج از آنها برای افراد محروم، امکان‌پذیر نیست. در این معنی، مسائل اجتماعى و موضوع آن می‌تواند هر یک از ابعاد حیات اجتماعى در هر سطح را شامل شود؛ نظیر بهداشت و بیکاری و بزهکاری و اعتیاد و افت و نارسائی‌های تحصیلى و ... که مساله مورد نظر ما در این پژوهش "افت تحصیلى" است.

هر سازمانی راهبردها و راهکارهایی را براساس اهداف سازمانی خود پیش می‌گیرد که خواهان وضعیتی است که بتواند به آن سو هدایت شود و اگر شرایط حاضر سازمانی به بن‌بست‌های شدیدی دچار شود، به فکر راه‌حل‌های اساسی برآید، چرا که مشکل بزرگی

برای رسیدن به هدف بر سر راهش نمایان می شود که برای رفع آن باید هزینه های زیادی را بپردازد. اما اگر بخواهیم مسأله اجتماعی را اینگونه تعریف کنیم: «مسائل اجتماعی جامعه پدیده هایی اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی است که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قرار می گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده ارزش ها و کمال مطلوب ها می شوند. این مسایل اجتماعی به عنوان پدیده هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می دارند، به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید می آید.» (عبداللهی، ۱۳۹۱، ۱۲).

بر خلاف جوامع پیشین که فقط شمار محدودی از مدارس، آن هم در شهرها و نه در روستاها وجود داشت، دنیای امروز پر از مراکز آموزشی در مقاطع مختلف بوده و افراد زیادی به علم آموزی مشغول هستند اما در مقایسه با سال های گذشته، عوامل منحرف کننده متعددی شیوع پیدا کرده که برای کنترل آنها گاه به مشاوره با کارشناسان متخصص نیازمند است تا دانش آموزان نسبت به درس و مدرسه بی انگیزه نشوند و با پدیده افت تحصیلی مواجهه نگردند. (خاکی، ۱۳۹۰، ۱۴)

* بطور کلی عواملی که در افت تحصیلی نقش دارند را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

- عوامل درون سازمانی، مانند معلم، محتوای دروس، امکانات آموزش، مدیریت و ... مربوط می شود.

- عوامل برون سازمانی، مانند شرایط خانوادگی و اجتماعی، فرد، میزان علاقه و ... است. (موسوی، ۱۳۸۷، ۳)

از آنجایی که آموزش و پرورش نقش مهمی در آماده نمودن و آموزش نوجوانان به جامعه و بازار کار دارد. لازم است تا مساله افت تحصیلی و عوامل موثر بر آن را شناسایی نمود. زیرا از سال ها قبل این پدیده در نظام آموزشی ما وجود داشته و تا الان ادامه دارد. این میزان، بر اساس شواهد بسیاری از جمله نتایج امتحانات دانش آموزان، بیانگر این است که سالانه درصد زیادی در دوره متوسطه دچار افت تحصیلی می شوند. بنابراین می توان مفهوم «افت تحصیلی» را که از متن نهاد آموزش و پرورش بر می خیزد، یک مساله اجتماعی قلمداد کرد که باید در مورد آن بررسی عمیق صورت گرفته و راه حل های ممکن را برای رفع این معضل ارائه داد. در این راستا، پژوهش حاضر در صدد آن است تا به این سوال کلی پاسخ دهد که: مشکل افت تحصیلی دانش آموزان به کدامیک از عوامل اجتماعی موثر وابسته است؟

مبانی نظری

در ادامه تلاش داریم تا با استفاده از چارچوب های نظری، مساله پژوهش را با مدخلیت دیدگاه های ذیل تحلیل و تبیین کنیم:

دیدگاه ساختارگرایی: هر گاه بین عناصر تشکیل دهنده یک مجموعه، رابطه ای نسبتاً ثابت بوجود آید، به معنی اخص کلمه ما به یک مفهوم می نامیم. از منظر این رهیافت، در درون یک نظام اجتماعی برای برقراری مناسبات اجتماعی متعادل وجود اصل توازن یک امر بدیهی به نظر می آید. و ساخت اجتماعی بیشتر از نوع انتزاعی و انضمامی است که به معنای مقیاسی برای تحلیل پدیده های اجتماعی لحاظ می شود. به عبارت دیگر، هر بخشی از ساختار اجتماعی در راستای قوام کل نظام اجتماعی مدخلیت داشته و در ثبات مولفه های دیگر نقش مهمی ایفاء می کند (توسلی، ۱۳۹۶، ۱۲۶).

تالکوت پارسنز معتقد است که هر نظام برای پویایی خود ناگزیر به استفاده از ابزارهایی مثل انطباق و هدف یابی در کلیت یک سیستم است. و یکی از مهم ترین الزام یک نظام اجتماعی (آموزش و پرورش)، وجود سیستمی از عوامل آموزشی و فرهنگی است تا وفاق اجتماعی را بر اساس آن متبلور سازد (Parsons, 1989, 152). او بر این باور است که نظام فرهنگی بر دیگر ابعاد اجتماعی کنترل داشته و

شناخت و ترسیم تغییرات ارزشی (افت یا پیشرفت تحصیلی) در هر جامعه فرضی با توسل به ردیابی تحولات آموزشی ساختمانده ممکن می شود. نکته قابل توجه در این استنباط نهفته است که به زعم او اگر ما قائل به فهم تحولات آموزشی هستیم، لاجرم بایستی به عرصه تحولات فرهنگی و آموزشی جامعه رجوع کنیم. لذا تحلیل مسائل اقتصادی-اجتماعی جامعه تنها در درک واقع بینانه دگرگونی های آموزشی در تمام عرصه ها است. که مستوجب تعمیم پذیری ادراک ما از تحولات آموزشی در بین دانش آموزان می شود.

دیدگاه کارکرد گرایی: در این نحله فکری، فرهنگ و ارزشهای آن به عنوان جزئی از نظام کلی تر، دارای کارکرد های سازنده برای حفظ کل جامعه است. بنابراین نقش هر یک از اجزاء و ارتباط آن با یکدیگر برای دوام جامعه و مشارکت هر یک از عناصر در بقاء یا امحاء جامعه مورد تاکید قرار می گیرد. بر مبنای چنین چارچوب فکری، پیدایش هر نوع تغییر در نظام آموزشی جامعه، مغایر با کلیت نظام اجتماعی و همبستگی درونی آن است. آنچه که برای موضوع حاضر کاربرد دارد، تاکید بر وحدت کارکردی ارزش های اجتماعی است، بنابراین اصل، در تحلیل نهائی پدیده های اجتماعی، علاوه بر علت شکل گیری، کارکردهای اقتصادی-اجتماعی آن نیز مورد تاکید است.

کارکردگرایان بر تلاش افراد به عنوان مبنای اصلی دسترسی به موقعیت های اجتماعی مطلوب تاکید می کنند و معتقدند که طبقه بندی اجتماعی نظامی باز است که همه افراد جامعه بالقوه در صحنه رقابت با دیگران به موقعیت های اجتماعی مطلوب دسترسی دارند و افراد مستعد تر موفق تر خواهند بود و موقعیت اجتماعی بهتری به دست خواهند آورد. اما از سویی آموزش و سطوح کمی و کیفی تحصیل بیشتر از سایر معیارها و استانداردها، نشان دهنده سطح لیاقت افراد است و بدین لحاظ آموزش و پرورش نقش خاصی در تعیین میزان لیاقت افراد در تعیین جایگاه اجتماعی آنها دارد... (توسلی، ۱۳۹۶، ۱۲۴).

دیدگاه انتقادی: این رهیافت نظری در تحلیل مسائل اجتماعی بر متغیرهای فرهنگی تاکید دارد و به نام فرانکفورت نیز معروف است که با نظریات یورگن هابرماس به اوج خود رسید. به زعم او مشروعیت و یا خلاء مشروعیت از جمله مسائل مهم جامعه جدید است. هابرماس در تحلیل مسائل موجه در نظام اجتماعی به تغییر محتوای آموزشی در سه حوزه اقتصاد، سیاست و حوزه اجتماع و فرهنگ اشاره می کند. او معتقد است که این عوامل باعث شکل گیری چهار دگرگونی عمده می شود: ۱) دگرگونی در سیستم اقتصادی آموزش ۲) دگرگونی در سیستم عقلانیت (اداری سیاسی) آموزش ۳) دگرگونی در مشروعیت نظام آموزش ۴) دگرگونی در انگیزه های آموزشی. لذا دگرگونی وقتی نمود می یابد که آن حوزه نتواند کارکرد های مورد انتظار را انجام دهد. لذا تغییرات در حوزه اقتصادی (اداری، سیاسی) عامل ناکارآمدی نظام آموزشی نیست، بلکه بحران های مشروعیت و انگیزش که به هویت نظام آموزشی مربوط می شود می تواند عامل نابه سامانی نظام آموزش و پرورش شود. او به مصادیق بحران اشاره می کند و معتقد است که تجاری شدن آموزش و سیاست و نسبی گرایی اخلاق که باعث آشفستگی در هنجار های آموزشی می شود، ماحصل چنین فرآیندی است (بشیریه، ۱۳۷۸، ۲۲۴).

از این نحله فکری می توان بهره برد که تغییر محتوای آموزشی و عوامل اجتماعی به عنوان نمودی از فقدان عقلانیت فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد. در همین رابطه جانسون اشاره می کند: زمانی که دولت به مطالبات اجتماعی رایج در بین مردم توجه نکند، در آن صورت مقبولیت خود را از دست خواهد داد و نوعی آشفستگی آموزشی در بین دانش آموزان و مدیریت نظام آموزشی شکل می گیرد. او در ادامه می افزاید تغییر ارزش ها زمانی اتفاق می افتد که ارزش های جدید و نامتناسب با ارزش های سنتی وارد جامعه شوند همچنین آنتونی گرامشی باور دارد جامعه مدنی پهنه ای است که در آن دولت به شکل های نامحسوس و با استفاده از نهاد های آموزشی، فرهنگی و دینی می تواند ایدئولوژی خاص خود را ترویج کند. بنابراین، این نظام آموزشی است که کارکرد باز تولید نظام اجتماعی را بر می تابد و یا بالعکس (رفیع پور، ۱۳۷۸، ۴۲).

دیدگاه تعامل گرایی نمادین: جرج هربرت مید که پایه گذار این نحله فکری بود، تحلیل های جامعه شناختی خود را بر روابط گروه ها و جهت گیری های شخصی افراد تمرکز می کرد. در همین رابطه گافمن با ارائه رهیافت تئاتری (نمایشی) شرایط واقعی آموزش و پرورش را صحنه نمایشی می داند که هر یک از افراد نقش های خود را ایفاء می کنند. یعنی در محیط های رسمی، آموزه های تجویز شده و دولتی را به نمایش می گذارند، در محیط های شخصی، ممکن است ارزشهای غیر تجویزی را به نمایش بگذارند. در اینگونه موارد مواجهات غیر کلامی بر تعاملات تاثیر مضاعف داشته و افراد با توجه به تجارب گذشته شان به ارزیابی آموخته های یکدیگر می پردازند (Schaefer, 2001).

نکته مورد تاکید اینکه جایگاه دانش آموزان در نظام سلسله مراتب آموزش بر نحوه پذیرش یا رد برخی از آموزه های جامعه تاثیر می گذارد. و شناخت چگونگی این تاثیر ریشه در قوانین حاکم بر مناسبات اجتماعی، تجارب گذشته اعضا و نوع تشویق متعامل اعضا جامعه دارد. نتیجه اینکه محتوای آموزشی تجویز شده در بین اعضای جامعه که دارای بیشترین سابقه مثبت است به دور از هر گونه شائبه باز تولید شده و تقویت می شود. اما آنگونه جهت گیری هایی که در بین دانش آموزان پذیرش اجمالی ندارد، بی شک دچار بحران (افت تحصیلی) گشته و متحول می گردد. رویکرد های یاد شده وقتی در کنار هم مورد استفاده قرار گیرند می توانند فهم ساختار و تعامل گروه ها در محیط های آموزشی را فراهم نمایند (علاقه بند، ۱۳۹۴، ۲۱).

جهت استفاده بهینه از فضای ارائه شده در طرح مقاله نویسی، سعی شده است تا بخشی از پیشینه پژوهش را ارائه کنیم.

- بهار بهاءلو هوره (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی درس ادبیات فارسی مقطع متوسطه اول و نحوه جذب فراگیران به این درس در خمینی شهر" انجام داد. نمونه پژوهش، تعداد ۳۱۰ نفر از دانش آموزان و ۶۳ نفر از دبیران بودند که به شیوه تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده، رگرسیون همزمان و روش کیفی مصاحبه و از نرم افزار آماری SPSS استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه دبیران، عملکرد خانواده، عملکرد دانش آموزان و برنامه ریزی کتب درسی توانستند معنادار شوند و افت تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی نمایند. و از دیدگاه دانش آموزان برنامه ریزی محتوای درسی، قوانین حاکم بر مدرسه و عملکرد معلمان از لحاظ آماری معنی دار شدند. مصاحبه با دانش آموزان نشان داد که استفاده از روش های نوین تدریس برای تنوع بخشی به محتوای کتاب، متناسب کردن حجم کتاب، تهیه ابزار مناسب آموزش زبان فارسی در مدارس و استفاده از روش های ارزیابی مناسب، از جمله عوامل مؤثر بر جذب دانش آموزان هستند. همچنین مصاحبه با دبیران نیز نشان داد که همکاری متقابل خانواده با مدرسه، تقویت رابطه عاطفی بین دانش آموز و معلم و به روز بودن اطلاعات معلم و آگداری تدریس بخشی از کتاب به دانش آموزان از جمله عوامل مؤثر بر جذب دانش آموزان هستند.

- زینب نعیمی (۱۳۹۵)، پژوهشی را با عنوان "بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با عزت نفس و عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان دوره اول متوسطه مدارس غیر انتفاعی شهرستان گرگان" انجام داد. که این پژوهش با هدف بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با عزت نفس و افت تحصیلی دانش آموزان انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوره اول مدارس غیرانتفاعی شهرستان گرگان می باشد. که تعداد آنها حدود ۱۲۴۳ نفر می باشد. روش نمونه گیری از نوع نمونه گیری در دسترس و حجم نمونه ۲۹۳ نفر انتخاب شد. ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه های شبکه های اجتماعی مجازی و عزت نفس روزنبرگ و افت تحصیلی کاوسی بود. از آزمون رگرسیون چند متغیره و روش همبستگی پیرسون برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با عزت نفس رابطه منفی و معناداری وجود داشته و بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با افت تحصیلی رابطه دارد. لذا این فرضیه تایید می شود. همچنین بین عزت نفس و افت تحصیلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و این فرضیه فرعی نیز تایید می شود.

- فریزر آبروشیانی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی شهر هرسین" انجام داد. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری آن دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر هرسین می باشد، نمونه گیری به روش تصادفی ساده انتخاب گردید. حجم نمونه پژوهش حاضر ۱۹۶ نفر و برآورد حجم نمونه به صورت اتفاقی غیراحتمالی بوده است. داده ها بوسیله پرسشنامه های محقق ساخته و در قالب طیف لیکرت طراحی شد، روایی آنها به صورت محتوای صوری و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۷۸٪) درصد بود. نتایج با استفاده از روش های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نشان داد که بین متغیرهای مستقل تحصیلات والدین، شغل والدین، میزان درآمد ماهیانه و محل سکونت با افت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد و بین تعداد اعضای خانواده با افت تحصیلی رابطه معناداری در این جامعه آماری وجود نداشته است.

- حسن کوهستانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان "افت تحصیلی" که در تهران انجام داد. بیان داشت برای پیدا کردن علل افت تحصیلی که یک مشکل اجتماعی است نمی توان تنها به یک علت بسنده کرد. بنابراین باید مسائل گوناگونی را همچون: انگیزه، روش مطالعه، اضطراب امتحان، روابط معلم و دانش آموز، شرایط عاطفی خانواده، شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده و... را بررسی کرد. و تمامی این عوامل را می توان به سه دسته: فردی، آموزشگاهی، اجتماعی تقسیم نمود.

- علی اصغر نعمتی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با هدف "بررسی تاثیر عوامل آموزشی، فردی و خانوادگی بر افت تحصیلی دانش آموزان سال اول متوسطه پسران ناحیه دو شیراز از دیدگاه دبیران و دانش آموزان"، با جامعه آماری ۲۱۷۵ دانش آموز و ۸۶ نفر دبیر که به روش توصیفی-پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه ای که با پایایی ۰/۸۷ آلفای کرونباخ بر روی ۲۶۱ نفر که به روش تصادفی ساده انتخاب شده بودند، انجام دادند. و عوامل فردی و خانوادگی در کنار سایر عوامل در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. و نتایج حاصل حاکی از آن بود که از نظر دبیران و دانش آموزان سال اول متوسطه، عوامل فردی و خانوادگی به همراه دیگر عوامل در افت تحصیلی دانش آموزان موثر بودند. که در این میان بین دیدگاه دبیران و دانش آموزان در زمینه میزان تاثیر عوامل خانوادگی و فردی تفاوت وجود دارد.

- غلامعلی افروز (۱۳۸۶)، در پژوهش خود با عنوان: "نقش عوامل روان شناسی تربیتی کاربردی در سازمان انجمن اولیاء و مربیان استان تهران". با استفاده از روش های آماری و نظریات تربیتی در خصوص افت تحصیلی و عوامل موثر بر آن به عوامل مهمی چون: محرومیت های محیطی و کمبود محرک های رشد ذهنی و اجتماعی اشاره می کند. درصد قابل توجهی از دانش آموزان (۷۸٪) که بطور جدی دچار افت تحصیلی شده اند، جوانانی هستند که متعلق به خانواده هایی از طبقه اقتصادی-اجتماعی پائینی هستند و از انگیزه تحصیلی بسیار پائین برخوردارند. لذا پیشنهاد می شود که با توجه به رابطه معنی داری وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده در افت تحصیلی دانش آموزان، متولیان امر به این مقوله با جدیت مضاعف پردازند.

- آشیک حسین^۷ (۲۰۱۶)، در پژوهش خود با عنوان "دلایل ترک تحصیل در مدارس پاکستان" با استفاده از روش مطالعه تجربی و با گردآوری داده ها از ۹۴ مدیرکل استانها و ۱۱۴ مدیران مدارس و ۲۸۸ معلم در کنار ۲۸۸ والدین و با مشارکت ۸۶۴ دانش آموز، با استفاده از روش های ترکیبی ۵۰٪ از ترک تحصیل کنندگان و ۵۰٪ از ترک تحصیل نکرده ها، به این نتیجه رسید که: ۱. هزینه آموزش در این کشور بسیار گران است. ۲. مدارس فاصله زیادی با خانه افراد دارند. ۳. معلمان رفتار خشونت بار دارند. ۴. والدین علاقه ای به ادامه تحصیل فرزندان ندارند. ۵. محتوای دروس سنگین و فقدان امکانات آموزشی و تکالیف بیش از توان، از جمله دلایل افت تحصیلی اعلام شدند.

۱. Ashiq Hussain

۲. Sunita Chugh

نتایج این پژوهش می تواند به سیاست آموزشی مناسب و طراحان و متولیان مربوطه کمک نماید تا میزان افت تحصیلی کاهش یابد و میزان مشارکت در آموزش افزایش یابد.

- سانی تا چاق^۸ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان "افت تحصیلی در دبیرستان های مناطق حاشیه نشین دهلی" اشاره می کند که افت تحصیلی یک پدیده ملی در هند می باشد. میزان افت تحصیل در بین دختران به مراتب بیشتر از پسران است. فرزندان خانواده های پایین و مناطق محروم در مقایسه با طبقات متوسط و بالای جامعه دارای افت تحصیلی بیشتری هستند. ترک تحصیل باعث کاهش منزلت اجتماعی و کاهش درآمد و نرسیدن به شغل مطلوب را برای آنها به ارمغان می آورد. و در آینده باعث افزایش نابرابری اجتماعی می گردد. برای افزایش کارآمدی آموزش، برنامه ریزان آموزشی بایستی گروه های در معرض خطر افت تحصیلی را شناسایی کرده و آنها را مدیریت کنند. این پژوهش با استفاده از مطالعه تجربی در مقطع دبیرستان انجام گرفت. یافته ها نشان می دهد که خانواده و عوامل آموزشی همبستگی بالایی با قضیه ترک تحصیل دارند. و اینگونه نیست که ترک تحصیل مقاطع بالاتر صرفاً بخاطر فقر اقتصادی باشد.

- آدن^۹ (۲۰۱۳)، در پایان نامه خود با عنوان "عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان به بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی در میان ۱۲۰ دانش آموز پرداخت. عوامل موثر بر افت تحصیلی شامل معلمین، محیط مدرسه، والدین، عوامل فردی و عوامل اجتماعی بوده اند. عوامل اجتماعی شامل فرهنگ، سیستم سیاسی، موسسات اجتماعی و ارزش های اجتماعی موجود در جامعه، همه و همه در پیشرفت و یا افت تحصیلی دانش آموزان نقش دارند.

-چان یان سونگ^{۱۰} و دیگران (۲۰۱۲)، در پژوهش خود با عنوان "ترک تحصیل و تاثیر ساختار و تغییر خانواده" اشاره کردند که در بین سال های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ بر تعداد ترک تحصیل در این کشور افزایش یافت. و با استفاده از مطالعه تحلیل تاریخی از تعداد ۲۱,۴۲۰ پرونده موجود در مرحله نخست به مطالعه خانواده های تک والد و خانواده های با درآمد پایین پرداختند. و نتیجه گرفتند فرزندان که با مادران خود زندگی می کنند در مقایسه با دانش آموزانی که با پدران خود و یا با ناپدری زندگی می کنند در امور مدرسه موفق تر عمل می کنند. نتیجه دوم این بود که دانش آموزان بخاطر ازدواج والدین یا ازدواج مجدد آنان اذیت نمی شدند اما جدایی و طلاق والدین به شدت بر جریان آموزش آنها تاثیر منفی دارد.

- استیفن.ت.راسل^{۱۱} (۲۰۰۸) و دیگران در پژوهش خود با عنوان "ترک تحصیل دانش آموزان و ثبت نام مجدد آنها در مدارس مناطق کالیفرنیا" به این نتیجه رسیدند که با مطالعه بیش از ۲۲۱,۰۰۰ از دانش آموزانی که ثبت نام کرده بودند را مورد پژوهش قرار داده و متغیرهایی چون: جنسیت، نژاد، منطقه مسکونی، قومیت و عوامل خانوادگی را بررسی نمودند و نتیجه این شد که تا سن یازده سالگی با ثبات ثبت نام روبرو هستیم اما از آن به بعد میزان ثبت نام در این منطقه تقلیل می یابد، و پیشنهاد می کنیم که برنامه های مشارکتی خانواده ها را در امور آموزشی بیشتر نموده و از شیوه هایی استفاده کنیم تا برای آنها جذاب باشد.

تلاش شد تا نمونه هایی از پژوهش هایی که در سالهای اخیر در کشورهای مختلف انجام گرفت را بیان کنیم. ولی باید به این امر واقف بود که افت تحصیلی در هر کشوری تا حدود زیادی با توجه به ویژگی های اجتماعی-اقتصادی، فردی و... خاص آن جامعه قابل طرح است، لذا ادعا نداریم که بتوان تمام عوامل موثر هر جامعه را مورد مطالعه دقیق قرار داد. با این وجود پژوهش های اشاره شده در پیشینه

۳. Adane.Linda Ofosua

۴. Chun yun Song

۵. Stephen T. Russel

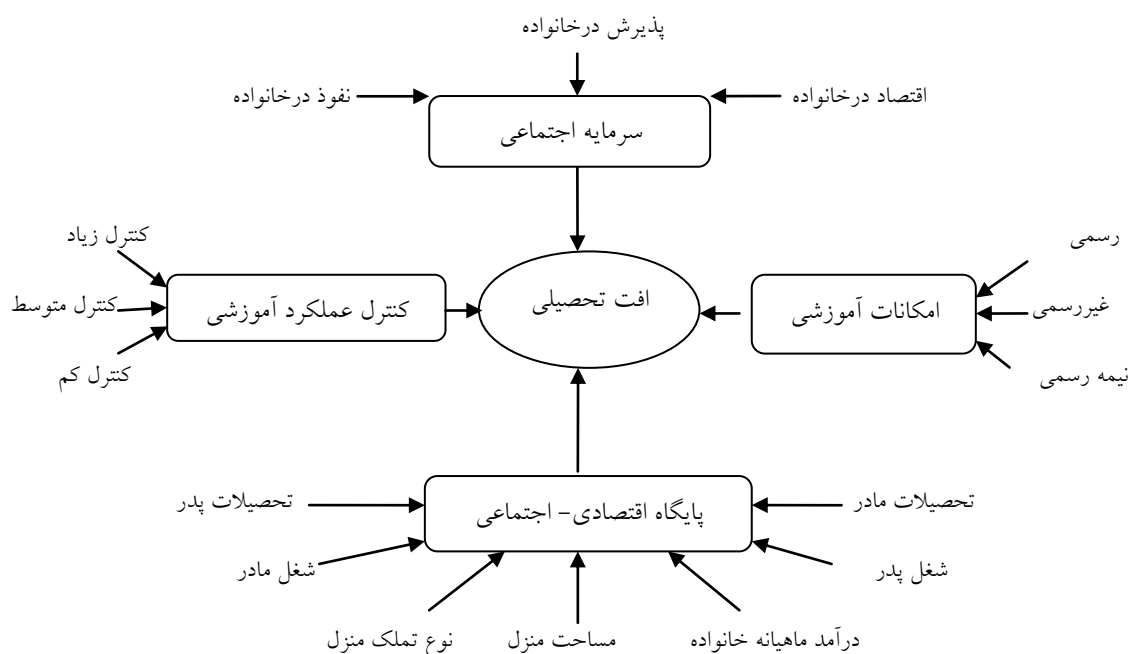
داخلی و خارجی، ابعادی از این موضوع را شفاف سازی نموده اند که در حد خود قابل ارجاع است. گرچه برخی از ابعاد جدید آن مورد امعان نظر قرار نگرفت. بدین منظور سعی شد تا شاخص های جدید این عنوان پژوهشی را در زمان و مکان جدید و در بین دانش آموزان استان با مدخلیت نقش عوامل اجتماعی و تاثیر آن بر کاهش افت تحصیلی، مورد مطالعه قرار دهیم.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش پیمایشی می باشد. و جامعه آماری شامل دانش آموزان مقطع متوسطه دوم استان مازندران در سال تحصیلی (۹۷-۱۳۹۶) می باشد. که حجم نمونه آن طبق فرمول کوکران (۱۷۰) دانش آموز محاسبه شد. و برای دستیابی به نمونه ها از روش تصادفی ساده استفاده شده است. داده های این پژوهش نیز از طریق پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و با استفاده از جداول مربوطه و آمارهای استنباطی در نرم افزار آمار Spss تجزیه و تحلیل شده است.

متغیرهای حاضر در مدل پژوهش از نوع استنتاجی است، که بر آمده از مبانی نظری به عنوان واسطه ارتباطی بین بخش نظری و بخش عملیاتی پژوهش تنظیم شده است. مدل تحلیلی پژوهش حاضر بعد از تجزیه و تحلیل داده ها و نحوه تاثیر گذاری هر یک از متغیرها مشخص خواهد شد. و «افت تحصیلی» متغیر وابسته است که متغیرهای مستقل یعنی عوامل اجتماعی موثر را نشان می دهد. منظور ما از عوامل اجتماعی، عواملی است که از بیرون سازمان آموزش و پرورش بر تحصیل دانش آموزان تاثیر می گذارد.

شکل شماره (۱): مدل تحلیلی رابطه بین افت تحصیلی و عوامل اجتماعی موثر بر آن



افت تحصیلی به عنوان متغیر وابسته، محصول مستقیم عوامل اجتماعی است. که این عوامل در گستره متنوعی، از مقولات و طبقات اقتصادی- اجتماعی در رابطه با نظام آموزش و پرورش محسوب می شود. عوامل اجتماعی دانش آموزان، جدای از مقولات جنسی، منزلتی و طبقه اجتماعی نیست. گرچه در بین آنها امکان تغییر در گرایشات نیز وجود دارد. حال با توجه به همین رهیافت، فرض کلی پژوهش بر این است که در تعیین میزان تاثیر متغیرهای عوامل اجتماعی چون: پایگاه اقتصادی- اجتماعی، کنترل عملکرد آموزشی، سرمایه اجتماعی

خانواده و امکانات تحصیلی از تأثیرگذاری خاصی برخوردارند. لذا فرضیه هایی که در این مطالعه به آزمون در می آیند به قرار ذیل بیان می شوند.

فرضیه کلی: افت تحصیلی دانش آموزان متأثر از عوامل اجتماعی می باشد.

فرضیه های فرعی:

- بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

- بین کنترل عملکرد آموزشی از سوی والدین و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

- بین سرمایه اجتماعی خانواده و کاهش افت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

- بین امکانات آموزشی فرزندان و افت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد.

هرچند افت تحصیلی، کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموز از سطح رضایت بخش به سطحی نامطلوب است. به نظر می رسد که عوامل مذکور را نمی توان بطور مستقل، علت کاهش تحصیل فرد یا گروهی نامید، و یا نسبت به تأثیرشان اغماض داشت. زیرا هر یک از این عوامل به موجب نوع و میزان ظهورشان در شرایط نسبتاً ثابتی که قرار می گیرند، دارای سهم و اندازه تأثیر متفاوت خواهند بود. و به جهت وسعت حوزه مؤلفه های افت تحصیلی دانش آموزان (چه با تأثیر مثبت و یا منفی)، امکان بررسی همه این عوامل بسیار سخت و حتی ناشدنی خواهد بود. لذا در این پژوهش سعی شد تا صرفاً به بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر افت تحصیلی بسنده شود، و نقش هر یک از مؤلفه های آن در بوجود آوردن این پدیده معین شود. و همچنین شواهد پژوهشی مربوطه در راستای اثبات یا ابطال این فرضیات نیز ارائه شده است.

بحث و یافته ها

در خصوص آزمون رابطه و سنجش شدت رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر وابسته از آزمون T.test و ANOVA استفاده گردیده است. از سوی دیگر به منظور تبیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده به عمل آمده است.

* فرضیه اول: فرض شده بود که بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان افت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. بدین لحاظ بعد از محاسبه ضرایب رگرسیون دو متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و افت تحصیلی در بین دانش آموزان، نتایج ذیل حاصل شد.

جدول شماره (۱): پایگاه اقتصادی-اجتماعی و افت تحصیلی

Model Summary

mode	R	R squar	Adjusted R square	Std. Error of the Estimate	change				
					R square change	F change	df۱	df۲	Sig. f change
۱	.۵۵۷	.۳۱۰	.۳۰۶	.۵۸۲۵۷	.۳۱۰	۷۵,۴۱۸	۱	۱۶۸	.۰۰۰

a. Predictors : (constant) socio- economic

b. Dependent Variable : (Academic Failure)

جدول شماره (۲): پایگاه اقتصادی-اجتماعی و افت تحصیلی

Coefficients

model	Un standardized Coefficients		Standardized Coefficient	T	Sig.	correlations		
	B	Std.	Beta			Zero-order	partial	part
constant socio-economic	۲,۷۰۳	. ۱۰۷	-.۵۵۷	۲۵,۲۶۵	. ۰۰۰	-.۵۵۷	-.۵۵۷	-.۵۵۷
	-.۴۲۵	. ۰۴۹		-۸,۶۸۴	. ۰۰۰			

a. Dependent Variable : (Academic Failure)

توضیح : جدول شماره (۱) نشان می دهد میزان تغییرات متغیر وابسته در بین دانش آموزان استان برابر با $(R^2 = .۵۵۷)$ است که مقدار تعدیل شده ان برابر است با (۰.۳۰۶). لذا مقدار اصلاح شده بیانگر این است که عدد (۰.۳۰۶) تغییرات افت تحصیلی به متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر می گردد و ضریب بتا در جدول شماره (۲) نیز برابر با (-۰.۵۵۷) است. همبستگی نوع صفر و جزئی و تفکیکی نیز عدد ثابت (-۰.۵۵۷) را نشان می دهد. لذا بین متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان افت تحصیلی ارتباط معناداری وجود دارد. و فرض صفر (H_0) رد و فرض تحقیق (H_1) دال بر ارتباط بین این دو متغیر با سطح معناداری بالا تائید می شود. و باتوجه به جهت معکوس رابطه، به این نتیجه می رسیم که به هر مقداری که به سطح پایگاه افراد اضافه می شود به همان اندازه نیز از افت تحصیلی افراد کاسته می شود.

* فرضیه دوم: فرض شده بود که بین امکانات آموزشی با میزان افت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. بدین منظور جداول مربوطه بعد از محاسبه ضرایب رگرسیون بین دو متغیر فوق، نتایج حاصله را در ذیل ارائه می کنیم.

جدول شماره (۳) : کنترل عملکرد آموزشی و افت تحصیلی

Model Summary

mode	R	R squar	Adjusted R square	Std. Error of the Estimate	change				
					R square	F change	df\	dfv	Sig. f change
۱	.۴۱۱	.۱۶۹	.۱۶۴	.۶۴۴۳۰	.۱۶۹	۳۴,۰۷۸	۱	۱۶۸	.۰۰۰

a. Predictors : (constant) control

b. Dependent Variable : (Academic Failure)

جدول شماره (۴) : کنترل عملکرد آموزشی و افت تحصیلی

Coefficients

model	Un standardized Coefficients		Standardized Coefficient	T	Sig.	correlations		
	B	Std.	Beta			Zero-order	partial	part
constant control	۲,۶۲۰	. ۱۳۸		۱۸,۹۲۱	.۰۰۰	-.۴۱۱	-.۴۱۱	-.۴۱۱
	-.۳۸۴	. ۰۶۶	-.۴۱۱	-۵,۸۳۸	.۰۰۰			

a. Dependent Variable : (Academic Failure)

توضیح: همان طوری که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. میزان تغییرات متغیر وابسته برابر با $(R^2=.411)$ است که مقدار تعدیل شده ان برابر است با $(.164)$. لذا مقدار اصلاح شده بیانگر این حقیقت است که عدد $(.164)$ تغییرات افت تحصیلی به متغیر کنترل عملکرد آموزشی از سوی خانواده بر می گردد. ضریب بتا در جدول شماره (۴) نیز برابر با $(-.411)$ است. و فرض صفر (H_0) دال بر عدم ارتباط بین دو متغیر رد می شود و فرض تحقیق (H_1) دال بر ارتباط بین این دو متغیر با سطح معناداری بالا تأیید می شود. که با توجه به علامت منفی این متغیر که جهت عکس رابطه را نشان می دهد نتیجه می گیریم که با کاهش کنترل عملکرد آموزشی از سوی والدین به همان میزان بر افت تحصیلی دانش آموزان اضافه می شود و یا بالعکس.

* فرضیه سوم: فرض شده بود که بین سرمایه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. لذا بعد از محاسبه ضرایب رگرسیون دو متغیر، نتیجه ذیل بدست آمد که در جداول مربوطه می آید.

جدول شماره (۵): سرمایه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی

Model Summary

mode	R	R squar	Adjusted R square	Std. Error of the Estimate	change				
					R square change	F change	df ₁	df ₂	Sig. f change
۱	.۴۴۹	.۲۰۲	.۱۹۸	.۶۲۶۵۹	.۲۰۲	۴۲,۴۱۷	۱	۱۶۸	.۰۰۰

a. Predictors : (constant) social Capital

b. Dependent Variable : (Academic Failure)

جدول شماره (۶): سرمایه اجتماعی خانواده با کاهش افت تحصیلی

Coefficients

model	Un standardized Coefficients		Standardized Coefficient	T	Sig.	correlations		
	B	Std.	Beta			Zero-order	partial	part
constant social Capital	۲,۵۴۶	.۱۱۶	-.۴۴۹	۲۱,۹۵۵	.۰۰۰	-.۴۴۹	-.۴۴۹	-.۴۴۹
	-.۴۳۷	.۰۶۷		-۶,۵۱۳	.۰۰۰			

a. Dependent Variable : (Academic Failure)

توضیح: همان طوری که جدول شماره (۵) نشان می دهد میزان تغییرات متغیر وابسته در بین دانش آموزان استان برابر با $(R^2=.449)$ است که مقدار تعدیل شده ان برابر است با $(.198)$. لذا مقدار اصلاح شده بیانگر این است که $(.198)$ تغییرات افت تحصیلی به متغیر سرمایه اجتماعی خانواده بر می گردد و ضریب بتا در جدول شماره (۶) نیز برابر با $(-.449)$ است. آزمون تی استیودنت برابر با (-6.513) است. و این متغیر نیز معنادار است. هر سه نوع همبستگی نیز عدد ثابت $(-.449)$ را نشان می دهد. لذا بین متغیر سرمایه اجتماعی خانواده و میزان افت تحصیلی ارتباط معناداری وجود دارد. و فرض صفر (H_0) رد می شود و فرض تحقیق (H_1) دال بر ارتباط معناداری بین سرمایه اجتماعی و افت تحصیلی با سطح معناداری بالا (با فاصله اطمینان ۹۹ درصد) پذیرفته می شود. و از آنجائی که جهت رابطه متغیر معکوس می باشد نتیجه می گیریم که، به هر میزانی که به سرمایه اجتماعی خانواده اضافه می شود به همان اندازه نیز از افت تحصیلی فرد کاسته می شود.

* فرضیه چهارم: فرض شده بود که بین امکانات آموزشی با میزان افت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. بدین منظور جداول مربوطه بعد از محاسبه ضرایب رگرسیون بین دو متغیر فوق، نتایج حاصله را در ذیل ارائه می کنیم.

جدول شماره (۷): امکانات آموزشی و افت تحصیلی

Model Summary

mode	R	R squar	Adjusted R square	Std. Error of the Estimate	change				
					R square	F change	df ₁	df ₂	Sig. f change
۱	.۳۶۲	.۱۳۱	.۱۲۶	.۶۵۸۷۶	.۱۳۱	۲۵,۳۰۹	۱	۱۶۸	.۰۰۰

a. Predictors : (constant) educational

b. Dependent Variable : (Academic Failure)

جدول شماره (۸): امکانات آموزشی و افت تحصیلی

Coefficients

model	Un standardized Coefficients		Standardized Coefficient	T	Sig.	correlations		
	B	Std.	Beta			Zero-order	partial	part
constant educational	۲,۵۸۴	.۱۵۲	-.۳۶۲	۱۷,۰۴۴	.۰۰۰	-.۳۶۲	-.۳۶۲	-.۳۶۲
	-.۳۵۷	.۰۷۱		-۵,۰۳۱	.۰۰۰			

a. Dependent Variable : (Academic Failure)

توضیح: همان طوری که در جدول شماره (۷) آمده است. میزان تغییرات متغیر وابسته برابر با $(R^2 = .۳۶۲)$ است که مقدار تعدیل شده آن برابر است با $(.۱۲۶)$. لذا مقدار اصلاح شده بیانگر این است که عدد $(.۱۲۶)$ تغییرات افت تحصیلی به متغیر امکانات آموزشی بر می گردد. ضریب بتا در جدول شماره (۸) نیز برابر با $(-.۳۶۲)$ است. تمامی همبستگی های جدول شماره (۸) عدد ثابت $(-.۳۶۲)$ را نشان می دهد و فرض صفر رد و فرض تحقیق دال بر ارتباط بین این دو متغیر با سطح معناداری بالا تائید می شود. که با توجه به علامت منفی این متغیر نتیجه می گیریم که با کاهش میزان دسترسی به امکانات آموزشی به همان میزان بر افت تحصیلی فرد اضافه می شود و یا بالعکس.

در روش تحلیل مسیر، به دنبال ارائه یک مدل علی که برآمده از چارچوب نظری و یافته های پژوهش باشد هستیم. به عبارت دیگر، از نوع رابطه بین متغیرها و بخاطر مستقل یا وابسته بودن آنها نسبت به یکدیگر، نوع مدل علی پژوهش نیز مشاهده می شود. لذا با استفاده از تحلیل و محاسبات رگرسیون چند متغیره که در ذیل به آن می پردازیم، مدل علی روابط بین متغیرهای پژوهش را ارائه خواهیم نمود. البته با استفاده از عملیات رگرسیونی و با دخالت دادن اثر هر یک از متغیرهای مستقل اعم از مستقیم یا غیر مستقیم بر متغیر وابسته، مهمترین اثر مستقیم بر متغیر وابسته که افت تحصیلی باشد را مشخص می نمائیم. ابتدا تمامی داده های مربوطه را وارد کامپیوتر می کنیم، تمام عملیات مربوط به ضریب رگرسیون را انجام می دهیم، آنگاه پس از بررسی جداول خروجی، آن دسته از متغیرهای مستقل که با متغیر وابسته همبستگی معناداری ندارند را حذف کرده و عملیات را مجددا اجرا می کنیم. سپس تعداد متغیرهایی که بیشترین بتا (Beta) را دارند به عنوان متغیر وابسته در نظر می گیریم و همین طور عملیات را ادامه می دهیم تا به متغیرهای بیرونی برسیم.

بنابراین از نخستین تحلیل رگرسیونی که انجام گرفته است شروع به ترسیم مدل می‌نمائیم و متغیرهای مستقل معنادار را به متغیر وابسته بوسیله نوک پیکان ربط می‌دهیم و بر اساس میزان ضرایب استاندارد شده آنها به رسم نمودار با دخالت اثرات مستقیم و غیر مستقیم می‌پردازیم و این کار را تا ساخته شدن نهایی دیاگرام (شکل / خط هندسی) کلی ادامه می‌دهیم.

متغیرهای پژوهش حاضر به قرار ذیل می‌باشند:

- افت تحصیلی به عنوان متغیر وابسته (Y).

- پایگاه اقتصادی-اجتماعی به عنوان متغیر مستقل (X_1).

- کنترل عملکرد آموزشی به عنوان متغیر مستقل (X_2).

- سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل (X_3).

- امکانات آموزشی به عنوان متغیر مستقل (X_4).

ضرایب همبستگی پیرسون و نیز سطح معناداری بین متغیرها نشان می‌دهد، متغیرها با هم دارای همبستگی بوده و این همبستگی از سطح معناداری قابل قبول برخوردارند. در جدول ذیل میانگین انحراف استاندارد و تعداد متغیرهای مورد مطالعه مشخص شده است. و کمترین انحراف در امکانات آموزشی و بیشترین انحراف در کنترل عملکرد آموزشی دیده می‌شود.

جدول شماره (۱۱): محاسبات رگرسیونی

Regression Descriptive Statistics			
	Mean	Std. Deviation	N
$Y =$ کاهش افت تحصیلی	۱,۸۵۸۰	.۷۰۱۱۵	۱۷۰
$X_1 =$ پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۱,۹۹۴۱	.۹۱۶۱۱	۱۷۰
$X_2 =$ کنترل عملکرد آموزشی	۱,۹۵۸۶	.۷۵۰۸۳	۱۷۰
$X_3 =$ سرمایه اجتماعی	۱,۵۷۹۹	.۷۱۲۰۲	۱۷۰
$X_4 =$ امکانات آموزشی	۲,۰۱۷۸	.۷۱۱۰۸	۱۷۰

در جدول ذیل ضریب همبستگی چند متغیره برابر با ($R=۰.۷۱۸$) است، و این ارتباط نسبتاً بالا است چون در این ضریب، تعداد درجات آزادی مورد ملاحظه قرار نگرفته است، از ضریب تعدیل شده استفاده می‌شود. و چون تعداد متغیرهای توصیف کننده (مستقل) نیز در رابطه با تعداد مشاهدات مدنظر قرار می‌گیرد. این شاخص نشان دهنده میزان قدرت پیش بینی معادله رگرسیون چند متغیره می‌باشد. ضریب تعیین در اینجا برابر با ($R^2=۰.۴۹۵$) است، بنابراین می‌توان گفت که در بین دانش آموزان در حدود (۴۹,۵) درصد افت تحصیلی (متغیر وابسته Y) مربوط به این چهار متغیر می‌شود.

جدول شماره (۱۲): رگرسیون چندمتغیره

Model Summary									
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics				
					R Square Change	F Change	df ₁	df ₂	Sig. F Change
1	.718 ^a	.516	.495	.49839	.516	24.501	4	161	.000

a. Predictors : (Constant) : (امکانات آموزشی + سرمایه اجتماعی + کنترل عملکرد آموزشی + پایگاه اقتصادی-اجتماعی)

b. Dependent Variable : (افت تحصیلی)

در جدول (A nova) ذیل مشاهده می شود که ($F=24,501$) بدست آمده تا سطح هزارم ، معنی دار است و این امر نمایانگر آن است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل در پیش بینی متغیر وابسته موثر می باشد.

جدول شماره (۱۳): A NOVA

ANOVA ^b					
Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	42,601	4	6,086		
Residual	39,991	161		24,501	.000 ^a
Total	82,592	168	.248		

a. Predictors: (Constant): (امکانات آموزشی + سرمایه اجتماعی + کنترل عملکرد آموزشی + پایگاه اقتصادی-اجتماعی)

b. Dependent Variable: (افت تحصیلی)

جدول شماره (۱۴): ضرایب رگرسیون

Coefficients ^a					
Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	2,645	.189		13,973	.000
X ₁ پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-.178	.050	-.232	-3,539	.001
X ₂ کنترل عملکرد آموزشی	-.251	.095	-.269	-2,633	.009
X ₃ سرمایه اجتماعی	-.218	.065	-.222	-3,371	.001
X ₄ امکانات آموزشی	-.186	.100	-.087	.859	.002

a. Dependent Variable : (افت تحصیلی)

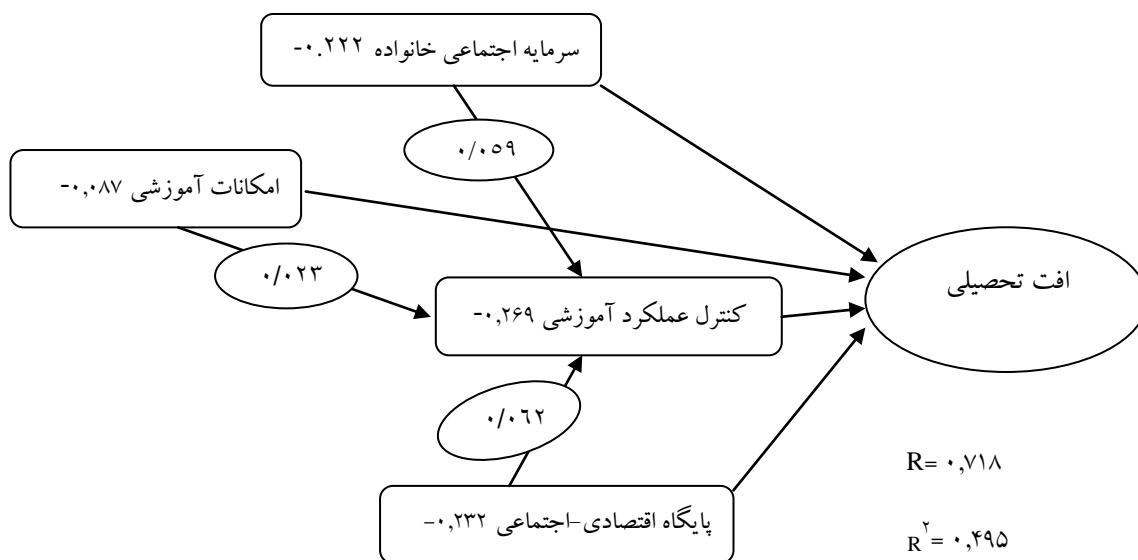
در همین رابطه باید اشاره کنیم که ضریب همبستگی چندگانه (R) و ضریب تعیین (R^2) بعد از محاسبه تغییر نکرده است. یعنی ($R=0,718$) و ($R^2=0,495$) بنابراین با محاسبه مجدد معادله جدید رگرسیون با مقادیر ذیل به دست آمده است:

جدول شماره (۱۵): معادله رگرسیون دقیق تر دوم

$$Y = (-0.178 \text{ امکانات آموزشی} - 0.186 \text{ سرمایه اجتماعی} - 0.218 \text{ عملکرد آموزشی} + 0.251 \text{ پایگاه اقتصادی} - 0.178)$$

همانگونه که از جدول همبستگی متغیرهای مربوطه مشاهده می شود، بیشترین بتا مربوط به متغیر کنترل عملکرد آموزشی X_2 است. و از اولین تحلیل رگرسیون، شروع به ساخت مدل می کنیم. در مرحله بعدی و به ترتیب متغیرهای بعدی را وارد معادله می کنیم، تا سرانجام به متغیرهای درونی و بیرونی برسیم. بنابراین برازش الگوی تحلیل مسیر به قرار ذیل ارائه می شود:

شکل شماره (۲): برازش الگوی تحلیل مسیر بر اساس ضرایب استاندارد شده



توضیح: دیاگرام علی و مدل تحلیل مسیر در نمودار فوق نشان گر مطالب ذیل است:

همانطوری که می بینیم تغییرات افت تحصیلی در بین دانش آموزان با توجه به مدل تحلیل فوق الذکر (به عنوان متغیر وابسته) مبتنی بر متغیرهای مستقل، ارائه شده است. به عبارت دقیق تر فرآیند افت تحصیلی در بین دانش آموزان (با توجه به ضرایب محاسبه شده) نشان می دهد که ضریب همبستگی چندگانه برابر با ($R=0,718$) است که ضریب نسبتاً خوبی است. اما با دخالت درجه آزادی و ضریب تعیین، عدد ($R^2=0,495$) بدست آمده است، یعنی این ضریب حدود (۴۹,۵) درصد تغییرات در افت تحصیلی را تبیین می کند. حال با توجه به تاثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل، مقدار تغییرات در افت تحصیلی را با متغیرهای مستقل بیان می کنیم:

- پایگاه اقتصادی-اجتماعی (X_1) بطور مستقیم (-۰,۲۳۲) و غیرمستقیم (۰,۰۶۲) درصد تغییرات افت تحصیلی را بیان می کند.

- کنترل عملکرد آموزشی (X_۲) بطور مستقیم (-۰,۲۶۹) درصد تغییرات افت تحصیلی را نشان می دهد.

- سرمایه اجتماعی خانواده (X_۳) بطور مستقیم (-۰,۲۲۲) و غیرمستقیم (۰,۰۵۹) درصد تغییرات افت تحصیلی را بیان می کند.

- امکانات آموزشی (X_۴) بطور مستقیم (-۰,۰۸۷) و غیرمستقیم (۰,۰۲) درصد تغییرات افت تحصیلی را مشخص می سازد.

بنابراین قدرت پیش بینی در نمودار فوق با توجه به ضرایب بدست آمده تا (۴۹,۵٪) درصد قابلیت پیش بینی تغییرات متغیر وابسته (افت تحصیلی) را دارد.

بحث و نتیجه گیری

در جهت تکمیل موارد فوق، مباحث نظری ذیل را برای تحلیل و تبیین یافته های پژوهش ارائه می کنیم.

دیدگاه ساختاری بر این قاعده استوار است که نظام فرهنگی بر دیگر بخش های اجتماعی کنترل داشته و شناخت و ترسیم تغییرات در آموزه ها (افت یا پیشرفت تحصیلی) در هر جامعه آماری با توسل به ردیابی تحولات آموزشی ساختماندهنده می شود. نکته قابل توجه در این استنباط نهفته است که اگر ما قائل به فهم تغییرات آموزشی هستیم، لاجرم بایستی به عرصه تحولات فرهنگی جامعه رجوع کنیم. لذا تحلیل مسائل اقتصادی-اجتماعی جامعه تنها در درک واقع بینانه دگرگونی های آموزشی در تمامی عرصه ها، مستوجب تعمیم پذیری ادراک ما از تحولات آموزشی در بین دانش آموزان محسوب می شود. و نتایج نشان می دهد که ناهمگنی در آموزه های اکتسابی جامعه آماری و تفاوت آن با جامعه بزرگسال در کنار توجه به جمعیت فزاینده نوجوانان در کشور و پیامدهای سلطه آموزه های رسمی از سوی مدیریت فرهنگی جامعه و تقابل آن با فضای ذهنی دانش آموزان می تواند تا حدودی افت تحصیلی را تبیین نماید.

از آنجائی که پذیرش درونی آموزه های نظام آموزشی، قوام و دوام بیشتری دارد. لذا هرگونه تغییر در فرآیند نهادینه کردن آموزه های عینی در نتیجه دوگانگی رفتاری جامعه می تواند از شدت بیشتری برخوردار باشد. اگر تصمیمات کلان آموزشی به ایجاد وفاق اجتماعی در درون نظام آموزشی نینجامد، آن دسته از دانش آموزانی که در آستانه پذیرش آموزه های فرهنگی جامعه هستند را دور ساخته و ناخواسته هزینه های مضاعفی را برای درونی کردن مجدد این آموزش ها بر نظام آموزشی تحمیل خواهد کرد و اگر متولیان امر در فرآیند نهادینه سازی موفق نشوند به یکی از تجارب ناموفق در جلب نظر نوجوانان خواهد انجامید و نه تنها شاهد کاهش افت تحصیلی نخواهیم بود، حتی ممکن است ابعاد افت تحصیلی در سطوح مختلف جامعه نیز متکثر شود.

بدین ترتیب کارکردگرایی می کوشد تا ماهیت درهم بافته یک نظام اجتماعی را در کلیت آن درک کند. رایج ترین نوع تحلیل کارکردی تهیه فهرستی از کارکردهای آموزش و پرورش در جامعه نوین است. هر یک از نهادهای مختلف موجود در جامعه از جمله نظام آموزشی، در ارتباط با بخش های دیگر، دارای کارکردهای مهمی هستند و در این راستا، این کارکردها را می توان برای آموزش و پرورش قائل شد. از جمله: حفظ فرهنگ، تولید و انتقال دانش جدید و تخصیص افراد به موقعیت های مختلف در جامعه. بنابراین با توجه به یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که عملکردهای نظام آموزشی در جامعه آماری مورد تغییر قرارگرفت که متاسفانه به آن توازون نسبی پیش بینی شده در نظام آموزشی (جامعه مورد مطالعه) نتوانسته ایم دست یابیم. و مهمترین تغییر ارزشی، بین سنت و تجدد در نظام آموزشی مطرح است و تحت تاثیر توسعه نامتوازن اقتصادی-اجتماعی باعث شد که آموزه های رسمی و عینی در برابر آموزه های غیررسمی تضعیف شود. و عدم شفافیت و نداشتن احساس اطمینان بر کنش ها و رفتارهای اجتماعی افراد در کنار کاهش اعتماد اجتماعی بین طبقات مختلف جامعه (خانواده، مدرسه) و گسترش هنجارها و رفتارهای انتفاعی، پیش زمینه شکل گیری و گسترش رفتارهای شخصی و سوداگرایانه در

برابر رفتارهای جمعی و خیرخواهانه را در سیستم آموزشی سبب شده است. حتی آموزه‌ها و فراگیری علوم جدید نیز در بستر رسیدن به قله‌های موفقیت در بین دانش‌آموزان را تا حدودی می‌توان به این موضوع ربط داد.

اما در دیدگاه انتقادی، آموزش و پرورش را به منزله نوعی ابزار در دست نظام حاکم تلقی می‌کنند. و از این دیدگاه مدارس در پی برآورده ساختن خواسته‌های کل جامعه نیستند، بلکه آنچه مدارس انجام می‌دهند در راستای برآورده ساختن مطالبات طبقات حاکم می‌باشد. آموزش و پرورش با تأثیر پذیری از خواسته‌های طبقات مرفه، نابرابری آموزشی و اجتماعی را دامن می‌زند و ساخت اجتماعی نابرابر را موجب می‌شود. و با ارزیابی عینی لیاقت‌های افراد به پدیده شایسته‌سالاری جنبه قانونی می‌دهد. و یکی از راههای رسیدن به پایگاه برتر تلقی می‌شود. مسئولیت موفقیت یا شکست به عهده خود افراد گذاشته می‌شود و این حقیقت اشکار فراموش می‌شود که فرصت و امکان یک طبقه خاص برای کسب موفقیت در مدرسه کمتر از طبقات دیگر است. این رویکرد با تأکید بر موانع تحرک اجتماعی معتقد است که سرچشمه نابرابری، در درون نظام اقتصادی-اجتماعی جامعه قرار دارد، نه در تفاوت عملکردهای آموزشی. به همین دلیل انجام اصلاحات آموزشی به منظور یکسان کردن امکانات تحصیلی برای همه افراد نمی‌تواند این واقعیت بنیادی را تغییر دهد. جامعه‌ای که درگیر نابرابری‌هایی در موقعیت‌های اجتماعی است نمی‌تواند فقط از طریق اصلاحات در نظام آموزشی، روابط موجود را متحول سازد.

در حالی که دیدگاه تعامل‌گرایی نمادین تأکید بر مفاهیمی همچون خود، گروه مرجع، ایفای نقش و ادراک و فهم دارد، معتقد است که اعضای جامعه در مسیر روابط اجتماعی، ارتباطاتی از نوع سمبلیک را در بین خود انتقال داده و دریافت می‌دارند. از این منظر افراد جامعه در پی شناخت و درک یکدیگر بوده و تعریف خاص خود و فضای اطراف، و یا اطرافیان خود را ارائه می‌دهند. این تلقی بیشتر به حوادث سطح خرد و میانه و به تعاملات یومیه برای فهم و تصویر از تحولات نظام آموزشی توجه دارد. به نظر آنها حیات اجتماعی ما پر از نمادها و اشیاء معنا دار است. تحلیل‌های جامعه‌شناختی، بر مناسبات شخصی افراد تمرکز می‌کند. در همین رابطه شرایط واقعی آموزش و پرورش را صحنه‌های نمایش می‌پندارد که هر یک از دانش‌آموزان نقش‌های خود را ایفاء می‌کنند، یعنی افراد برخی از ویژگی‌های شخصیتی خود را در جلوی صحنه (در کلاس، مدرسه) به نمایش می‌گذارند و برخی از صفات خود را مخفی می‌نمایند.

موقعیت دانش‌آموزان در نظام سلسله‌مراتب آموزش بر نحوه پذیرش یا رد برخی از آموزه‌های جامعه تأثیر می‌گذارد. و شناخت این تأثیر ریشه در قوانین و تجارب اعضا بزرگتر و نوع ترغیب متعامل اعضای جامعه دارد. و محتوای آموزشی تجویز شده در بین نظام آموزشی که دارای بیشترین سابقه اثباتی و بالاترین جایگاه اجتماعی بوده، بی‌شک باز تولید می‌شود. اما آنگونه جهت‌گیری‌ها که در بین دانش‌آموزان پذیرش اجمالی ندارد، دچار بحران می‌گردد. استفاده از این رهیافت در آموزش و پرورش باعث تسهیل در فهم بهتر محیط‌های آموزشی می‌گردد. مطالب یاد شده زمانی که به شکل ترکیبی مورد استفاده قرار گیرند می‌توانند درک وسیع‌تری، در مورد ساختار تعلیم و تربیت و تعامل گروه‌های دانش‌آموزی فراهم نمایند. که در نهایت این انسجام ساختاری و رسمی می‌تواند تا حدودی روند شکل‌گیری پدیده افت تحصیلی را تحلیل نماید.

تفاوت استعدادها و تغییرات ناگهانی نیازهای چندگانه، اتفاقی است که در پایه‌های مختلف تحصیلات متوسطه تجلی دقیق تری خواهد یافت. لذا برای جلوگیری از افت تحصیلی دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود با ایجاد فضای عاطفی مثبت، نقش سازنده والدین بر الگوپذیری دانش‌آموزان افزایش یابد تا زمینه پذیرش و تعلق خانوادگی فراهم گردد. و همچنین با ارتقای سطح آگاهی خانواده و با ارائه راهکارهای مناسب مثل: پس‌انداز کردن و صرفه‌جویی در هزینه‌های خانواده را به جوانان آموزش دهیم تا بتوانند به رشد جایگاه اقتصادی خانواده کمک نمایند. و با تغییر پایگاه به سمت تحرک اجتماعی بالا، بتوان شرایط را برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان فراهم نمود.

با توجه به ارتباط افت تحصیلی با امکانات و کنترل عملکرد آموزشی پیشنهاد می شود که از طریق وسایل کمک آموزشی مثل: مجلات آموزشی و کلاس های فوق برنامه می توانیم تجهیزات آموزشی را برای فراگیری بهتر در اختیار دانش آموزان قرار دهیم. و با افزایش کنترل بدون سختگیری اعضای خانواده بر امور درسی نوجوانان فضایی را ایجاد کنیم تا دانش آموز بتواند کاهش نمرات درسی را برای خانواده بیان نماید و والدین نیز بتوانند فرآیند عملکرد آموزشی را رصد نموده و نوجوان را از آفت های مربوطه دور داشته تا بتواند بر مسائل آموزشی و سنی خود فائق آید.

منابع فارسی

- آبروشیانی، فریبرز (۱۳۹۴) **بررسی عوامل اجتماعی موثر بر افت تحصیلی** دانش آموزان متوسطه هر سین. پایان نامه ارشد.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۶) **مبانی روانشناختی افت تحصیلی**. تهران. انتشارات مدرسه.
- بشریه، حسین (۱۳۷۸) **جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران**. تهران. نشر علوم نوین.
- بهائی لو، بهار (۱۳۹۶) **عوامل موثر بر افت تحصیلی** مقطع متوسطه و نحوه جذب فراگیران در خمینی شهر. پایان نامه ارشد.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۶) **نظریه های جامعه شناسی**. تهران. انتشارات سمت.
- پهلوان منوچهر (۱۳۸۴) **مقدمه ای بر جامعه شناسی جوانان**. معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل انتشارات مبعث.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۰) **روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی**. تهران. بازتاب.
- رازقی، معصومه (۱۳۹۲) **تاملی بر افت تحصیلی**. تهران. نشر شلفین.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸) **وسایل ارتباط جمعی و تغییرات ارزش های اجتماعی**. تهران. نشر کتاب افرا.
- سیدعباس زاده، میرمحمد (۱۳۷۲) **واژنامه مدیریت آموزشی**. دانشگاه ارومیه. انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عبداللهی، محمد (۱۳۹۱) **طرح مسائل اجتماعی در ایران/اهداف و ضرورتها**. در مجموعه مقالات مسایل اجتماعی ایران/ انجمن جامعه شناسی ایران. تهران. انتشارات آگاه.
- علاقه بند، علی (۱۳۹۴) **جامعه شناسی آموزش و پرورش**. تهران. نشر روان.
- کوهستانی، حسن (۱۳۹۲) **بررسی افت تحصیلی**. پایان نامه ارشد. رشته تکنولوژی آموزشی. دانشگاه تهران.
- نعمتی، علی اصغر (۱۳۸۹) **بررسی تاثیر عوامل آموزشی، فردی و خانوادگی در افت تحصیلی** از نظر دبیران و دانش آموزان پسر اول متوسطه ناحیه دو آموزش و پرورش شیراز. پایان نامه. دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- نعیمی، زینب (۱۳۹۵) **بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با عزت نفس و عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهرستان گرگان**. پایان نامه کارشناسی ارشد.

Reference :

-Adane,Linda Ofosua(۲۰۱۳).” FACTORS AFFECTING LOW ACADEMIC ACHIEVE MENT OF PUPILS IN KEMP METHODIST JUNIOR HIGH SCHOOL IN ABURI, EASTERN REGION”, submitted to the

university of GHANA,legon in partial fulfillment of the requirements for the award of master of philosophy in social work degree.

- Covington, M. (1985). The self-worth theory of achievement motivation Findings and implications. The elementary school journal, 86, 2-20.
- G. Russel (1990). Human motivation. a social psychological approach California. Brooks /cole publishingco.
- Hagan John L. (1994). criminal justice ...academic journal ,Canada.
- Halsey, A. H. ,et al . (1976), Education, Economy, and Society, New York: Free Press; us edition.
- Liebert, R & Morris, L. (1967). Cognitive and emotional components of test anxiety. a distinction and some initial data. Psychological reports, 20, 970-978.
- Newman, William Lurance, (1977), qualitative and quantitative Social Research Methods. NTC. N.Y
- Parsons, T. (1954). The Social System. N.Y Free press.
- Schaefer, R. T. (1977) Sociology. International 7th ed. Mc Graw-Hill Inc.
- Young Michael F.D. ed. (1971), Knowledge and Control: New Directions for the Sociology of Education; London: Collier- Macmillan;
- Wexler, Philip. (1977) Sociology and Education, New. In David. L. Levinson & Peter. W. Cookson. Education and Sociology: An Encyclopedia (PP. 093-097) New York: Routledge Falmer.